

فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره پیاپی: سی و یکم - بهار ۱۳۹۶

از صفحه ۱۸۰ تا ۲۰۳

کارآفرینی در آثار تمثیلی نظامی گنجوی و نظامی عروضی*

محمد رضا حصارکی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرقدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مهین خطیب‌نیا^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نائین، دانشگاه آزاد اسلامی، نائین، ایران

چکیده

انسان از آغاز آفرینش برای گذران زندگی مجبور به کار و کارآفرینی بوده و فرهنگ، مجموعه آداب و رسوم و باورهای حاکم بر جامعه است که از دیدگاه "شیوه زندگی" جدایی‌ناپذیر از کار و کارآفرینی است. در این مقاله با مطالعه برخی آثار بی‌نظیر و تمثیلی ادب فارسی، با بیان بیش از صدها تمثیل از شغل و حرفه و ارائه راهکارهای مفید و مثمر ثمری که در جهت بسط و گسترش این مشاغل در بطن جامعه ارائه شده، پی‌می‌بریم که کار و کارآفرینی و ایجاد خلاقیت در چند هزار سال پیش بین ایرانیان کهن از راه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگ و تمدن کشور محسوب می‌شده است.

ز کارآفرین کارها ساختن

ز ما قرعه بر کاری انداختن

(شرفنامه، ۱۳۸۱، بخش ۳۲)

کلید واژه‌ها: کارآفرینی، پیشه‌وری، ادبیات تمثیلی فارسی، نظامی گنجوی، نظامی عروضی

*تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۲

پست الکترونیک نویسنده مسؤول: m.r.hesaraki@gmail.com

پست الکترونیک: T.Khatibnia@gmail.com

بیان مسأله

سرمایه انسانی، منبعی با ارزش و بی‌پایان است که به شدت مورد توجه جامعه‌شناسان امروزی است. در دوره باستان به کار توجه چندانی نمی‌شد اما نگاهی به فرهنگ و ادب گذشته ما نشان می‌دهد که کار بسیار اهمیت داشته و مورد تحسین و توجه بوده است. نگاه به [آثار تمثیلی] و اشعار شاعران بزرگ درباره‌ی [کارآفرینی] و پیشه‌وری خود مسأله‌ای است که اوضاع اجتماعی آن زمان را نشان می‌دهد. وضعیت اصناف و گروه‌های پیشه‌وری در دوره‌های مختلف موضوع بسیار مهم تاریخ اجتماعی ایران محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۱). نظامی گنجوی بر اصطلاحات نجومی و قرآن، فقه، حکمت و اندرز، طب و ریاضی مسلط بوده و در واقع آثار او دایره‌المعارفی از علوم مختلف است، به صورتی که بسیاری از شعرای سده‌های بعد از قرن ششم در این راه هنرنمایی کرده، اما به پای وی نرسیده‌اند. نظامی گنجوی دارای قدرت تصویرسازی قوی است، وی بیش از ۱۰۰ شغل و حرفه متفاوت و متداول در جامعه قرن ششم را در آثارش به خوبی به تصویر کشیده است؛ به صورتی که می‌توان استنباط کرد در آن زمان چه مشاغلی متداول بوده و کدام درباری و کدام رعیتی مرسوم بوده است. جالب آنکه وی در توضیح بسیاری از مشاغل با بیان مسائل خلاق و نوآور، مطالبی در رواج و جنبه درآمدزایی آن شغل نیز بیان کرده است. نظامی عروضی سمرقندی نیز از دیگر شعرا و نویسندگان قرن ششم هجری و صاحب چهار مقاله است که جنبه کارآفرینی در گفتارش مشاهده می‌شود باید گفت نظامی عروضی سمرقندی در این کتاب ما را با پیشه‌های متعارف و مشهور قرن ششم آشنا می‌سازد و باتوجه به این که مشاغل مورد اشاره در اثر تمثیلی وی، در دربار شاهان کاربرد فراوان داشته است کسانی را درخور حضور در دربار معرفی می‌کند که در این مشاغل با داشتن معلومات و تجارب بسیار خلاقیت به خرج داده، نبوغ خود را آشکار کنند.

بنابراین، باتوجه به اینکه تاکنون در مورد اهمیت نگاه و نظر نظامی گنجوی و نظامی عروضی سمرقندی درباره اساس پیشه‌ها و تشکلهای حرفه‌ای بررسی مستقلی انجام نشده است. این پژوهش با هدف شناسایی دیدگاه‌ها و نظرات خاص نظامی گنجوی و نظامی

عروضی در مورد اساس کارآفرینی، پیشه‌ها و مشاغل، به جمع‌آوری پیشه‌ها در آثار تمثیلی این دو شاعر پرداخته و تلاش می‌کند تا به بسط دیدگاه وی در این زمینه بپردازد.

پیشینه پژوهش

چنانچه گفته شد، با مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده در پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش حاضر، مشخص شد تاکنون در زمینه کارآفرینی در آثار تمثیلی نظامی گنجوی و نظامی عروضی پژوهشی صورت نگرفته است. اما برخی از پژوهشگران از جمله طباطبایی (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان "بازتاب مشاغل و پیشه‌ها در دیوان شمس" به این موضوع پرداخته است که: "نگاهی به فرهنگ و ادب گذشته ما نشان می‌دهد که کار بسیار اهمیت داشته و مورد تحسین و توجه بوده است. دیوان شمس اثر بسیار جدی مولانا در قلمرو عرفان است و در این زمینه تحقیقات بسیاری انجام شده است. اما تاکنون در مورد اهمیت نگاه و نظر مولوی درباره اساس پیشه‌ها و تشکلهای حرفه‌ای بررسی مستقلی انجام نشده است. به عبارت دیگر همه تحقیقات به همان موضوع اصلی مدنظر شاعر محدود شده است. وی در پایان‌نامه‌اش با فرضیه وجود دیدگاه و نظر خاص مولوی در مورد اساس پیشه‌ها و مشاغل به جمع‌آوری پیشه‌ها در دیوان شمس پرداخته و تلاش می‌کند تا به بسط دیدگاه مولوی در این زمینه بپردازد"، همچنین کرمی (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان "بررسی و تحلیل معنایی، هنری و اجتماعی مشاغل و مناصب در شعر خاقانی" اشاره کرده است که: "اشعار کمتر شاعری به اندازه شعرهای خاقانی مشحون از تصاویر واقعی و عینی از زندگی مردم و جامعه است. خاقانی به دلیل بزرگ شدن در خانواده‌ای پیشه‌ور و سفرهای فراوان و دبیری در دربار شروانشاهان، آگاهی خوبی از اغلب پیشه‌های عصر خود دارد. این شاعر خلاق مشاغل و مناصب را در آفرینش شعری خود به کار می‌گیرد و ضمن بازتاب مشاغل خاندان خود، از آنها برای ساخت ترکیبات و مضامین تازه به خوبی بهره می‌برد. هدف این پژوهش این بوده است که شگردهای خاقانی در بهره‌گیری هنری از پیشه‌ها بازیابی گردد و مشخص شود چه دلیل شخصی یا ادبی یا اجتماعی او را به چنین آفرینشی، واداشته است. وی اذعان داشته که:

"خاقانی سعی کرده است از تمامی طیف معنایی یک واژه، کمال بهره را ببرد. این شاعر سخنور در آفرینش هنری به کمک پیشه‌ها علاوه بر آرایه‌های معمول، مانند تشبیه، استعاره، مراعات نظیر و ارسال‌المثل، شگردهای ویژه‌ای نیز دارد از جمله؛ سمبل‌آفرینی، استفاده از تضاد و هماهنگی پیشه‌ها، آفرینش هنری با پیشه‌های خانوادگی و نسبت دادن پیشه‌ها به اجرام آسمانی و پیامبران و اساطیر. همچنین خاقانی که استاد بلامنازع ترکیب‌سازی است، از پیشه‌ها نیز در ساخت ترکیب‌ها کمال بهره را برده است. زیباترین و بدیع‌ترین آن‌ها ترکیباتی است که بر اساس پیشه‌های خانوادگی خود به عنوان معادلی برای واژه‌ی شاعر ساخته است. مانند سخن‌تراش، حکمت‌باف، سخن‌باف و ... این شاعر هنجارشکن، خود را به نظرات جامعه نسبت به صاحبان پیشه‌ها محدود نساخته، بلکه تجربه‌های شخصی خود را نیز در این زمینه دخالت داده است."

هدف پژوهش

شناسایی دیدگاه نظامی گنجوی و نظامی عروضی سمرقندی در آثار تمثیلی این دو شاعر در رابطه با کارآفرینی و پیشه‌وری است.

سوال پژوهش

دیدگاه نظامی گنجوی و نظامی عروضی سمرقندی در رابطه با کارآفرینی و پیشه‌وری در آثار این دو شاعر به چه صورت بوده است؟

مقدمه

انسان از بدو خلقت برای گذران زندگی مجبور به تلاش و تحرک و کار بوده است و برحسب زمان و مکان کیفیت و کمیت کار و اشتغال به جهت کسب درآمد تحت‌الشعاع تمدن و پیشرفت جوامع بشری قرار گرفته است. در این میان فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، آیین‌ها، اندیشه‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌های حاکم بر جامعه و به دیگر سخن، فرهنگ مقوله‌ای است

در حال تحول که از بسیاری از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه تأثیر می‌پذیرد.

اکنون اگر از دیدگاه "شیوه زندگی" به فرهنگ بنگریم، نمی‌توانیم فرهنگ را از مقوله کار و نحوه کسب درآمد جدا بدانیم، چرا که کار و فرهنگ همیشه در تمام جوامع بشری بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته‌اند. روش‌های رایج کسب درآمد در طول تاریخ و در طی دوره‌های تاریخی متفاوت، در یک کشور تا حد زیادی بر نحوه رفتار افراد و شیوه تعامل آن‌ها با یکدیگر مؤثر بوده و هست؛ و کارآفرینی و خلاقیت با فرهنگ مشارکت، استقلال طلبی، قبول مسؤلیت و مخاطره‌پذیری درهم آمیخته است.

با مطالعه آثار تمثیلی ادب فارسی که جزیی از فرهنگ ما محسوب می‌شود در خصوص پژوهش در باب "کارآفرین و کارآفرینی" می‌بینیم نظامی گنجوی اولین بار در اسکندر نامه اش واژه "کارآفرین" را به کار برده است.

ز ما قرعه بر کاری انداختن ز کارآفرین کارها ساختن
(شرفنامه، ۱۳۸۰، بخش ۳۲)

برای همین این واژه به معنی "خداوند" در نسخه‌های کامل فرهنگ آندراج، معین و لغت نامه دهخدا (با ارجاع به همین بیت) آمده است و در فرهنگ معین اضافه کرده است: "کارآفریننده، آنکه کار ایجاد کند".

جعفری مقدم اعتقاد دارد که در بیت فوق جالب است که بر روی کارساز بودن کارآفرین تأکید شده است. پس به طور قطع در بین آثار غنی ادبی به شاعران و نویسندگانی برمی‌خوریم که در آثار نظم و نثر خود از مشاغل و کارهای متداول عصر خویش و شیوه‌های بسط و گسترش آن یعنی ایجاد خلاقیت و نوآوری سخن گفته‌اند. از جمله نجم‌الدین رازی در مرصاد العباد، نظامی عروضی در چهار مقاله و نظامی گنجوی به وفور از کارهای متداول یا نحوه کارآفرینی سخن گفته‌اند و آن‌گونه که در چهار مقاله به صراحت بیان شده خلاقیت و نوآوری لازمه بسط و گسترش کارآفرینی است (کهنتری، ۱۳۸۸).

نظامی گنجوی

نامش الیاس، کنیه‌اش ابومحمد، لقب او نظام‌الدین و تخلص این شاعر نظامی است. او سه همسر اختیار کرده که هر سه زودتر از وی از دنیا رفته‌اند. تنها فرزند او محمد نیز در کودکی جان داده است. زادگاه نظامی گنجه و در سال ۵۳۰ هجری متولد شد.

از آثار او ۵ گنج یا خمسه معروف است که شامل:

- ۱- مخزن الاسرار با ۲۲۸۸ بیت که به فخرالدین بهرام شاه تقدیم کرده است.
- ۲- خسرو و شیرین با ۶۵۰۰ بیت به نام طغرل سلجوقی و شمس‌الدین محمد جهان پهلوان
- ۳- لیلی و مجنون با ۴۱۳۰ بیت به نام شروان‌شاه جلال‌الدین بن منوچهر
- ۴- هفت پیکر با ۵۰۰۰ بیت به نام علاء‌الدین کرپ ارسلان
- ۵- اسکندرنامه با دو بخش شرفنامه با ۶۸۰۰ بیت و اقبالنامه با ۳۷۰۰ بیت به نام نصرت‌الدین ابوبکر ایلدگز

نظامی از شاعرانی است که باید او را در شمار ارکان شعر فارسی و از استادان مسلم این زبان دانست. وی از آن سخنگویانی است که مانند فردوسی و سعدی توانست به ایجاد و تکمیل سبک و روشی خاص دست یابد. اگر چه داستان‌سرایی در زبان فارسی به وسیله نظامی شروع نشده، لیکن تنها شاعری که تا پایان قرن ششم توانسته است شعر تمثیلی را به حد اعلای تکامل برساند، نظامی است.

کارآفرینی و پیشه‌وری در آثار نظامی

پزشکی

نظامی به پزشکی علاقه زیادی داشت. برای فرزندش محمد، این علم را تعریف و به او توصیه می‌کند که پزشک باشد و او را از شاعری که در آن زمان یک شغل محسوب می‌شد، منع می‌کند.

نظامی از انواع و اقسام داروها و امراض مانند: وبا، خناق، سودا، دردسر، گلودرد، چشم درد، خونریزی، و نیش گزندگان، از خاصیت: شکر و حلوا، شیرینی و سرکه و ترشی، زعفران،

داروهای مفرح، رنگ سبز، صندل، تأثیر ماه نو در دیوانگان یا اثر نور بر سر سامیان و بحرانیان، تأثیر نوشدارو برای معالجه زخم، حمام گرفتن بعد از خواب برای سرسامی، خواص کافور، حلوا، گلشکر، طین اصفهر، سیب، شکر و عنبر خام، در تمام آثارش سخن گفته است.

طیب روزگار افسون فروش است	چو زراقان از آن ده رنگ پوش است
گاهی نیشی زند کاین نوش اعضاست	گه آرد ترشی کین دفع صفر است
علاج الرأس او انجیدن گوش	دم الاخوین او خون سیاوش
بدین مرهم جراحت بست نتوان	بدین دارو ز علت رست نتوان

(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۱۱۹)

حکیم

کسی که حکمت طبیعی بشناسد و بداند که قوس و قزح بر اثر تابش آفتاب است، ذرات معلق در هوا بر اثر تابش نور دیده می‌شوند، نور وقتی که در یکجا جمع گردد قوی می‌شود، باد هوای جنبنده است که بر اثر گرما به دست می‌آید، پژواک صدا در کوه، نسبی بودن رنگ‌ها، طول و عرض و ارتفاع اجسام نسبی است، زلزله، نور ماه از خورشید است، نیروی کشش آهنربا و کهربا، شدت و ضعف نور چراغ بسته به فضا دارد. مثال:

که مغناطیس اگر عاشق نبودی	بدان شوق آهنی را چون ربودی
وگر عشقی نبودی بر گذرگاه	نبودی کهربا جوینده کاه

(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۱۲)

منجم

نظامی منجمی را یکی از کارهای مهم جامعه بر می‌شمارد و خود نیز از اطلاعات گسترده خویش در علم نجوم در اشعارش سخن گفته است. به طور مثال:

اصطرلاب از روی "جام جم" ساخته شده است، زمین کروی است، شب و روز در نیمکره شمالی و جنوبی زمین حالت عکس دارد، هر صد سال یک قرن است. قطب ثابت است و حرکتی ندارد، برج‌های دوازده گانه (حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب،

قوس، جدی، دلو، حوت) قطب شمال، تعیین وقت، طالع خوب، دور شادی، سازواری عطار
با دو پیکر، پراکندگی بنات النعش، سازواری ماه و پروین و ...

بر سریر آی و پیش من بنشین
سازگار است ماه با پروین
(هفت پیکر، ۱۳۸۰، بخش ۲۶)

آشپزی

نظامی در بیان این شغل، مطبخ را به تصویر می کشد (هنگامی که مایع در دیگ می جوشد و
کف می کند و سرریز می شود و بر آتش ریخته، خاکستر اجاق بر می خیزد)

بخار دیگ چون کف بر سر آرد
همه مطبخ به خاکستر بر آرد
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۹۰)

خیاطی

چو گازر شوی گردد جامه خام
خورد مقراضه مقراض ناکام
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۹۰)

رسن گر

تو را تا پیشتر گویم که بشتاب
شوی پستر چو شاگرد رسن تاب
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۷۶)

تیرگر

چو چشم تیرگر جاسوس گشتم
به دکان کمانگر برگزیدم
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۲۹)

میل سازان

گرفت آن نار پستان را چنان سخت
که دیبا را فرو بندند بر تخت
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۴۱)

نگهبانی

دو رویه سپه پاس می داشتند
مگس گرد خرگاه نگذاشتند
(شرفنامه، ۱۳۸۱، بخش ۵۱)

کلاهدوز

پالانگری به غایت خود

بهتر ز کلاهدوزی بد

(لیلی و مجنون، ۱۳۸۰، بخش ۹)

آسیابان

گر در مطبخت نامست عنبر

شوی در آسیا کافور پیکر

(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۹۰)

نان فروشی (نانوایی)

بدان کس که او را خمیرست خام

همه کس دهد نان پخته به وام

(شرفنامه، ۱۳۸۱، بخش ۱۸)

بنّایی

چگونه نهادش بناگر بنا

چه بانگ آمد از ساز اول غنا

(اقبالنامه، ۱۳۸۰، بخش ۱۹)

باغبان (نگهبان گلبن)

به بازار دهقان در آمد شکست

نگهبان گلبن در باغ بست

(اقبالنامه، ۱۳۸۰، بخش ۳۸)

نجاری

هوا بشکن کز او یاری نیاید

که از بوزینه نجاری نیاید

(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۱۰۹)

بازرگانی

به حیلت مال مردم خورد نتوان

چو بازرگانان دانا مال مردم

(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۱۰۹)

نقاش

چو نقش حیله بر چادر نشانی

بدان نقّاش چادر سوز مانی

(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۱۰۹)

زاهد

به ار بر عذر آن زاهد کنی پشت
که راسوی امین را بی گنه گُشت
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۱۰۹)

سیاح

تو نیکی کن مترس از خصم خونخوار
به نیکی برد جان سیاح از آن مار
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۱۰۹)

رایض (تربیت کننده ستور)

رایض من چون ادب آغاز کرد
از گره نه فلکم باز کرد
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۱۶)

غاشیه داری

چون تک ابلق به تمامی رسید
غاشیه داری به نظامی رسید
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۴)

خنیاگری (سرودخوانی)

خنده به غمخوارگی لب نشاند
زهره به خنیاگری شب نشاند
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۱)

آینه داری

آینه دار از پی آن شد سحر
تا تو رخ خویش ببینی مگر
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۲۲)

رنگری

گازری از رنگری دور نیست
کلبه خورشید و مسیحا یکی است
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۲۸)

صیادی

صیدگری بود عجب تیز بین
بادیه پیمای و مراحل گزین
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۳۱)

شعبده بازی

شعبده بازی که در این پرده هست
بر سرت این پرده به بازی نیست
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۳۲)

آهنگر و عطار

عقل و طبیعت چو تو را یار شد
قصه آهنگر و عطار شد
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۳۲)

صیرفی (صراف)

جز من و تو هرکه در این طاعت اند
صیرفی جوهر یک ساعتند
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰)

هنرپیشه

او که در این پایه هنرپیشه نیست
از سپر و تیغ وی اندیشه نیست
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۴۲)

نگارگری (نقاشی)

گر تن بی خون شده‌ای چون نگار
ایمنی از زحمت مردار خوار
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۵۲)

زنبیل باف

زهد که در زرکش سلطان بود
قصه زنبیل و سلیمان بود
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۵۲)

حضرت سلیمان (ع) زنبیل می‌بافت و می‌فروخت و از درآمد آن زندگی می‌کرد.

حاجب، ندیم

خاصگی محرم جمشید بود
خاص تر از ماه به خورشید بود
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۵۵)

عنبر فروش

خار بود نام گل خار پوش عنبری نام آمد عنبر فروش
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۵۶)

حجام (موی تراش)

موی تراشی که سرش می‌سترد موی به مویش به غمی می‌سپرد
(مخزن الاسرار، ۱۳۸۰، بخش ۵۷)

مغنی (مطرب)

مغنی ره رامش جان بساز نوازش کنم زآن ره دلنواز
چنان زن نوا از یکی تا به صد که در بزم خسرو زدی باربد
(اقبالنامه، ۱۳۸۰، بخش ۴۸)

حکیمان

چو حال حکیمان پیشینه گفت حکیمان بنخفتند و او نیز خفت
(اقبالنامه، ۱۳۸۰، بخش ۴۸)

ابریشم کشی

جهان چون دکان ابریشم کش است از او نیمی آبی دگر آتش است
دهد حلقه‌ای را از این سو بهی وز آن سو کند حلقه‌ای را تهی
(اقبالنامه، ۱۳۸۰، بخش ۳۹)

پالانگری

به چشمی بیند این دیو آن پری را که خر در پیشه‌ها پالانگری را
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۱۱۱)

بیابانیان (بدویان)

بگفت از سر داد و دین پروری سخن چون بیابانیان سرسری
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۵۷)

متعرفان (کسانی که چیزهای پنهان را برای درک حقیقت تجسس می‌کنند)

دیگر متعرفان به کارند کایشان بد و نیک می‌شمارند
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۰، بخش ۲۹)

غواص (صیاد مروارید)

غواص جواهر معانی کرد از لب خود گهر فشانی
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۰، بخش ۲۸)

فصّاد (رگزن، جراح)

مجنون چو رسید پیش صیّاد بگشاد زبان چو نیش فصّاد
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۰، بخش ۲۵)

تیغ زنان (سپاهیان)

ز آن تیغ زنان که لاف جستند تا اول شب مصاف جستند
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۰، بخش ۲۲)

نقشبند (نقاش)

نخلستانی به آن زمین بود کارایش نقشبند چین بود
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۰، بخش ۱۹)

خنیاگر (آوازه خوان)

خنیاگر زن صریر دوک است تیر آلت جعبه ملوک است
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۰، بخش ۱۹)

خیال بازان (نوعی اجرای بازی که سایه بازیگران روی پرده می‌افتد و تماشاچیان حرکت سایه‌ها را می‌بینند)

در پرده این خیال بازی بیچاره شده ز چاره سازی
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۰، بخش ۳۴)

دبیر (معلم، آموزگار)

دادش به دبیر دانش آموز تا رنج برد برو شب و روز
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۰، بخش ۱۱)

میر آخوری (طویله سالاری)

میرآخوری تو چرخ را کار کاه و جو از آن کشد به بازار
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۰، بخش ۶)

جنیبه دار (کسی که اسب یدک را همراه می‌برد)

قیصر به درش جنیبه داری فغفور گدای کیست باری؟
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۰، بخش ۵)

غاشیه دار (چاکری)

وان بدر که نام او منیر است در غاشیه داریش حقیر است
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۰، بخش ۵)

خواجه تاش (چند نفر که بنده یک خواجه باشند)

میکائیلت نشانده بر پر و آورده به خواجه تاش دیگر
(لیلی و مجنون، ۱۳۸۰، بخش ۲)

شبانلی

پسندید شاه از شبان این سخن که آن قصه را باز جست اصل و بن
(اقبالنامه، ۱۳۸۰، بخش ۱۰)

نانوایی

یکی نانوا مرد بد بینوا نه آبی روان و نانی روا
(اقبالنامه، ۱۳۸۰، بخش ۱۳)

باربری (حمالی)

کم و بیش کالا چنان بر مسنج که حمال هر ساعت آید به رنج
(اقبالنامه، ۱۳۸۰، بخش ۵)

هیزم شکنی

مزن ارّه بر سالخورده درخت که ضحاک از این گشت بی تاج و تخت
(اقبالنامه، ۱۳۸۰، بخش ۵)

تیشه گری (سنگ تراش)

به پیشه دست بوسندش همه روم به تیشه سنگ خارا را کند موم
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۵۳)

چوبک زن (دهل زن)

که در تا با ما زمانه چویزن بود فلک چوبک زن چوبینه تن بود
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۴۸)

بوریا باف

به قدر شغل خود باید زدن لاف که زر دوزی نداند بوریا باف
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۴۸)

زردوزی

به قدر شغل خود باید زدن لاف که زر دوزی نداند بوریا باف
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۴۸)

سیمابکاری

چو شیرین کیمیای صبح دریافت از آن سیمابکاری روی برتافت
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۶۶)

شیشه باز (آنکه با گوی و ساغر شعبده بازی کند).

برون آمد ز پرده سحر سازی شش اندازی به جای شیشه بازی
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۱۷)

پرستاران

پرستاران به رفتن راه رفتند به کُهد حال صورت باز گفتند
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۲۳)

کارگل (کارگر ساختمان)

پیشه کاهلان مگیر به دست کار گل کن که تندرستی هست
(خسرو و شیرین، ۱۳۸۰، بخش ۳۵)

فرآشی (خدمتکاری)

دولتی باش هرکجا باشی در رکابت فلک به فرآشی
(هفت پیکر، ۱۳۸۰، بخش ۳۸)

قاضی القضاات (رئیس قاضیان)

وی بسا کور دل که از تعلیم گشت قاضی القضاات هفت اقلیم
(هفت پیکر، ۱۳۸۰، بخش ۷)

عماری کش (محمل ران)

در عماری نشست با دل خوش ماه در موکش عماری کش
(هفت پیکر، ۱۳۸۰، بخش ۲۹)

ربابی (رباب زن)

برکشیده صفی دو فرسنگی بریطی و ربابی و چنگی
(هفت پیکر، ۱۳۸۰، بخش ۱۹)

طلایه داران (سربازان پیشتان)

تا نزد بر ختن طلایه زنگ شه ز شادی نکرد میدان تنگ
(هفت پیکر، ۱۳۸۰، بخش ۳۲)

دو الک باز (دوال باز)

زنگی از خون بر او دوال انداز راست چون زنگی دو الک باز
(هفت پیکر، ۱۳۸۰، بخش ۱۲)

حاجب (پرده دار)

خواجه را در حجابگه دیدند حاجبانه ز کار پرسیدند
(هفت پیکر، ۱۳۸۰، بخش ۳۳)

شهر سازی

به هر منزلی کو علم برکشید در آن منزل آمد عمارت پدید
 به گنج و به فرمان در آن ریگ بوم عمارت بسی کرد بر رسم روم
 (شرفنامه، ۱۳۸۱، بخش ۱۷)

مساحتی (مساحت کردن)

مساحت گران داشت اندازه گیر بر آن شغل بگماشته صد دبیر
 رسن بسته اندازه پیدا شده ز منزل به منزل هویدا شده
 بدین گونه مساحت منزل شناس ز ساحل به ساحل گرفتی قیاس
 (شرفنامه، ۱۳۸۱، بخش ۱۰)

ره نامه (آنکه راه دریاها را نشان می‌داده است)

ز رهنامه چون باز جستند راز سوی باز پس گشتن آمد نیاز
 (اقبالنامه، ۱۳۸۵، بخش ۳۵)

نوآوری در اقتصاد از دیدگاه نظامی

نظامی درباره طرق پیشرفت و صنعت و تجارت - برای برداشتن سود بیشتر - نظریاتی دارد که بسیار قابل توجه و تأمل است. وی معتقد است، در کارهای بازرگانی و اقتصادی، باید کار را به کاردان سپرد. در ضمن آدم فقیر به علت فقر از شعور اقتصادی بی‌بهره بوده، پس مشورت با او در زمینه مسائل تجاری بی‌فایده است.

زر و ثروت را باید خرج کرد و از آن اقتصاد و تولیدی ایجاد نمود و گرنه برای زیر خاک پنهان کردن بین زر و سنگ تفاوتی نیست.

زر از بهر مقصود و زیور بود چو بندش کنی بندی از زر بود
 شنید از دبیران دینار سنج که زر زر کشد در جهان گنج گنج
 (شرفنامه، ۱۳۸۱، بخش ۳۵)

سفره آرای

ز هرگونه آرایش خوان کنند بسیج خورش‌های الوان کنند
(شرفنامه، ۱۳۸۱، بخش ۳۳)

نظامی عروضی سمرقندی

نظامی عروضی از دیگر شعرا و نویسندگان قرن ششم هجری و صاحب چهار مقاله، که این کتاب را به نام یکی از شاهزادگان غوریه یعنی ابوالحسن حسام الدین علی تألیف نموده است. نام اصلی این کتاب "مجمع النوادر" بوده و دارای یک مقدمه و ۴ مقاله است. مقدمه پس از حمد خدا دارای پنج فصل است و چهار مقاله درباره:

۱- ماهیت دبیری

۲- ماهیت علمی شعر و صلاحیت شاعر

۳- علم نجوم و نمودارات منجم در آن علم

۴- در علم طب و هدایت طبیب.

به این صورت که مؤلف نخست دیباچه‌ای در تعریف موضوع و شرایط کسانی که عهده‌دار این ۴ شغل می‌شوند آورده و سپس قریب ۱۰ حکایت ذکر کرده است.

چهار مقاله از جهت قدمت تألیف و ایجاز لفظ، اشباع معنی، سادگی عبارت، عاری بودن از صنایع لفظی، خالی بودن از کلمات و جملات مترادف، سلامت انشا، وضوح مطالب و استخراج مطالب مفید تاریخی و سنت‌های گذشتگان در زمره ارجمندترین کتابهای نشر ادبی است (چهار مقاله، ۱۳۷۲).

اما از جنبه کارآفرینی باید گفت نظامی سمرقندی در این کتاب ما را با ۴ شغل متعارف و مشهور قرن ششم آشنا می‌سازد (دبیری، شاعری، نجوم، طب) و باتوجه به این که این چهار شغل در دربار شاهان کاربرد فراوان داشته است کسانی را درخور حضور در دربار معرفی می‌کند که در این مشاغل با داشتن معلومات و تجارب بسیار خلاقیت به خرج داده، نبوغ خود را آشکار کنند. چون رودکی که با ایجاد نوآوری در اشعارش به گونه‌ای شاه را تحت تأثیر قرار

می‌دهد که پابره‌نه قصد بازگشت به بخارا می‌کند؛ یا بوعلی سینا که با ایجاد خلاقیت و نوآوری در شیوه درمان شاهزاده، بیماری که جنون گاوی گرفته او را درمان می‌کند.

کارآفرینی و پیشه در چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی

کار دبیری و ایجاد خلاقیت‌ها و کیفیت در آن، شغل دبیری را حرفه‌ای مشتمل بر "قیاسات خطابی و بلاغی" در گفتگوهای بین مردم می‌داند که به صورت محاورت، مخاصمت، مدح و ذم، اغراء، بزرگ گردانیدن کارها، خرد گردانیدن شغل‌ها و ساختن وجوه عذر و عتاب و استوار کردن پیمان نامه‌ها و ذکر سوابق به کار می‌رود.

کسی که در امور مملکتی شغل دبیری را برمی‌گزیند، باید کریم الاصل، شریف‌العرض (آبرومند) دقیق‌النظر (نکته سنج) عمیق‌الفکر (ژرف اندیش) و ثاقب‌الرأی (دارای اندیشه نافذ) باشد. بر ادب و انواع آن، قیاسات منطقی، درک مراتب و منزلت انسان‌ها مسلط باشد و از دنیا و تعلقاتش دوری گزیند. در ترسل و کتابت بر ارباب حرمت و بزرگان نستیزد و آبروی آن‌ها را حفظ کند. دبیر باید بسته به شأن و منزلت مخاطب خود نامه را تنظیم نماید و از بیهوده‌گویی و اطناپ خودداری کند و آنچه باعث ایجاد خلاقیت و ثبت و ضبط مراسلات و نامه‌های خوب و بدیع می‌شود، مطالعه مستمر کلام خدا، پیامبر (ص)، آثار صحابه و امثال عرب و عجم و کتب سلف و کتاب‌های نظم و نثر موجود است. بدیهی است مطالعه کتب فوق‌الذکر باعث تشحید خاطر و ایجاد خلاقیت در مکاتبات اداری می‌شود، آنچنان که اسکافی در اعلام خبر مرگ "ماکان" می‌گوید: "اما ماکانَ فَصارَ کاسمه و السلام" یعنی ماکان مثل اسمش نیست و نابود شد. یا صاحب کافی وزیر شاه در عزل یکی از قاضیان فاسد قُم اینگونه حکم می‌دهد: "بسم الله الرحمن الرحيم ايها القاضي بقم قد عَزَلناكَ فقم" یعنی: ای قاضی قُم، تو را عزل کردیم پس برخیز. و یا سلطان محمود که در جواب مکر و حيله اهل لمغان به جهت ندادن خراج می‌گوید: "الخراجُ خُراجٌ اداؤه دوائه" یعنی مالیات زخمی هزار چشمه است که ادای آن داری آن است.

شاعری و عوامل ایجاد خلاقیت در سرودن شعر

نظامی عروضی می‌گوید: "شاعری صنعتی است که شاعر با آن معانی خُرد و کوچک را بزرگ و معانی بزرگ را خُرد، معانی نیکو را زشت و زشت را در صورت نیکو جلوه دهد و با انواع و اقسام آرایه‌های معانی و بیان و بدیع و ایهام باعث ایجاد انقباض و انبساطی در طبایع آدمی شود و باعث انجام امور بزرگ و عظام در نظام عالم و نقطه عطف در ایجاد و خلاقیت و تحولی عظیم در انسان‌ها گردد (سجادی، ۱۳۷۸، ص ۱۰). چنان‌که احمد بن عبدالله خجستانی علت و داعیه اصلی دگرگونی‌های زندگی‌اش را در این دو بیت می‌داند:

مهتری گر به کام شیر در است شو خطر کن ز کام شیر بجوی
یا بزرگی و عز و نعمت و جاه یا چو مردانت مرگ رویاروی
(چهار مقاله، ۱۳۷۲، ص ۱۲۶)

به صورتی که خجستانی "خریندگی" را رها کرد و بدانجا رسید که سلامی در کتاب تاریخ خود می‌نویسد: "به نیشابور یک شب ۳۰۰۰۰۰ دینار و ۵۰۰ سر اسب و هزار تا جامه ببخشید و امروز در تاریخ از ملوک قاهره یکی اوست، اصل آن دو بیت شعر بود." (بلند همتی، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

از خلاقیت‌های یک شاعر آن است که در شعر مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی، و ... عصر خود را چنان زیبا و بدیع به تصویر بکشد که شعر او نام و رسم شاعر و شخصیت‌های مورد نظر خود را جاودانه نماید.

چون رودکی که شریف مجلدی گرگانی در وصف او می‌گوید:

از آن چندان نعیم این جهانی که ماند از آل ساسان و آل سامان
ثنای رودکی ماندست و مدحت نوای باربد مانده است و دستان
(چهار مقاله، ۱۳۷۲، ص ۴۵)

چنان‌که می‌بینیم عظمت و نام بسیاری از آل سامان به واسطه نوآوری‌های رودکی در شعر و اسامی ملوک آل ناصرالدین و اسامی آل خاقان به واسطه بدایع موجود در شعر نجیبی فرغانی، عمق بخاری رشیدی سمرقندی و ... آل بویه ماندگار اشعار غضائری، و بُندار، آل سلجوق

ماندگار به اشعار لامعی، امیر معزی، فرخی گرگانی، دوام نام ملوک طبرستان بسته به اشعار رافعی نیشابوری، محمدی گرگانی و در نهایت تدبر و طراحی نوینی که نظامی عروضی و رفیعی و جوهری و ... در نظم و نثر از خود نشان داده‌اند، نام ملوک آل شَنَسَب را جاودانی کرده است (همان، ۴۵). نظامی عروضی می‌گوید:

بسا کاخا که محمودش بنا کرد که از رفعت همی با مه مرا کرد
 نبینی زآن همه یک خشت بر جای مدیح عنصری ماندست بر جای
 (چهار مقاله، ۱۳۷۲، ص ۴۶)

نظامی در مقاله دوم کتاب چهار مقاله ویژگی‌های مهم یک شاعر را این‌گونه بیان می‌کند: عظیم الفکره (بزرگ اندیشه) صحیح الطبع (درست قریحه) جید الرویّه (نیکو تفکر و تأمل) دقیق النّظر (خلّاق و باریک بین و نوآور) و در انواع علوم متنوع و در اطراف رسوم مستطرف (یعنی عالم به علوم مختلف باشد و از طبیعت و مسائل پیرامون خود معانی نو و شگفت را برگزیند) (زمردی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۵).

در واقع، نظامی موارد فوق را از عوامل اساسی ایجاد خلاقیت در شعر و احاطه بر آن را لازمه یک شاعر خوب و خلاق می‌داند. نظامی در فصل دوم مقاله، شعر مطالعه زیاد شاعر و تسلط او را بر دواوین و دایره لغات عاملی در جهت ایجاد خلاقیت در شعر می‌داند (همان، ص ۱۱۵).

نظامی از مسائل مهم در ایجاد شعر به عنوان یک کار پر درآمد را بدیهه‌سرایایی می‌داند چرا که بدیهه‌سرایایی مجلس‌ها را پر رونق و طبع ممدوح را خرم می‌نماید (همان، ص ۱۱۷).

منجمی و علم نجوم

آنگاه منجمی می‌تواند یک شغل کامل و جامع باشد که منجم در آن بر چهار علم هندسه، حساب، هیأت و احکام مسلط باشد.

طب

طب صنعتی است که بدان صناعت صحت در بدن انسان نگاه دارد. طبیب باید که دانا دل و نیکو حدس باشد و با وقوف بر انواع و اقسام امراض و بیماری‌ها با هوشیاری و درایت و توکل بر خداوند به معالجه مشغول گردد. طبیب باید که نیکو اعتقاد بود و حکیم و قادر، به صورتی که در بسیاری از موارد از خلاقیت و نوآوری جهت درمان سود جوید. چون ابوعلی سینا در معالجه شاهزاده آل بویه که به بیماری مالیخولیا مبتلا بود و تصور می‌کرد که گاوی است. پس از خوردن و آشامیدن امتناع می‌کرد. پس ابوعلی سینا قصد ذبح او نمود و چون او را لاغر یافت، توصیه به خوردن و فربه شدن کرد. پس به مدت یک ماه شاهزاده را مداوا کرد (جلالی، بی تا، ص ۱۴).

نتیجه گیری

"ورنون^۱" و "ورتزل^۲" بر این باورند که داشتن فرهنگ کارآفرینی در جامعه ملی حایز اهمیت است؛ چرا که فرهنگ تعیین‌کننده نگرش‌های افراد در جهت فعالیت کارآفرینانه است. باتوجه به تأثیر محیط، اقتصاد و اجتماع بر کارآفرینی هر زمانه‌ای مدل‌های خاص کارآفرینی را مطابق نیازهای خاص جامعه ایجاد می‌کند، لذا در جامعه پر نشیب و فراز تاریخی ایران و در دوره‌های متفاوت شاهد آثار ادبی و شاهکارهای فرهنگی هستیم که با بیان مشاغل مختلف و عوامل بسط و توسعه کارآفرینی در آثار تمثیلی خود انعکاس از اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عصر خود هستند.

از جمله این شاعران خلاق، نظامی گنجوی شاعر چیره دست و نابغه قرن ششم است که در آثارش به یک تصویرسازی قدرتمند، بیش از صد شغل نادر و یا متداول عصر خود را با بیان جنبه‌های درآمدزایی آن، به تمثیل بیان کرده است. به طور مثال نظریات جدیدی در زمینه بسط و توسعه اقتصادی به زبان می‌آورد. مثلاً پول و سکه را در چرخه داد و ستدهای اقتصادی و تجاری درآمدزا معرفی می‌کند.

¹ vernon

² wortzel

شنید از دبیران دینار سنج که زر زر کشد در جهان، گنج گنج
(شرفنامه، ۱۳۸۱، بخش ۵)

از سوی دیگر با پژوهش‌های به عمل آمده اولین کسی که در ادبیات فارسی کلمه "کارآفرین" را به عنوان "شخص ایجاد کننده کار" در اشعارش به کار برده، نظامی است. از طرفی با مطالعه آثار نظامی به مشاغل بدیع و جدیدی بر می‌خوریم که حتی در عصر او هم جزء مشاغل جدید محسوب می‌شدند. مثل: مبل‌ساز، هنر پیشگی، خیال‌بازی (نوعی اجرای بازی که سایه بازیگران روی پرده بیفتد) شیشه بازان (شعبده باز) شهرسازی و معماری، رهنامه گران (آنان که راه دریاها را نشان دهند) سفره آرابی و ...

پس می‌توان نتیجه گرفت نظامی، نه تنها خود از شاعران خلاق و نوآور زبان و ادب فارسی است؛ بلکه با بیان کارهای نو و جدید در عصر خود به وجود کارآفرینان خبره در زمان خویش معترف و از آن‌ها در جای جای شاهکارهای ادبی تمثیلی خود سخن می‌گوید. از دیگر ادیبان این مرز و بوم نظامی عروضی است که در چهار مقاله از چهار شغل دبیری، شاعری، منجمی و پزشکی یعنی از مشاغل مهم و متداول عصر خود سخن می‌گوید و خلاقانه به جنبه کارآفرینی و بسط و گسترش آنها با ذکر مثال می‌پردازد و بوعلی سینا نابغه شرق را در درمان شاهزاده‌ای مبتلا به جنون گاوی مثال می‌زند.

در نتیجه، باید گفت کارآفرینی در نظم و نثر فارسی قدمتی به درازای ادبیات کهن فارسی دارد که به وفور در آثار شاعران و نویسندگان خلاق انعکاس یافته است.

منابع و مأخذ

۱. آریان پور، یحیی (۱۳۸۰). *از صبا تا نیما*. تهران: نشر اساطیر، ج دوم،
۲. بلند همتی (۱۳۸۷). *مجله گنجینه بهار*، شماره ۷۰، ص ۱۴.
۳. جلالی، محمد رضا (بی تا). *قلمر مشترک علم النفس ابن سینا با روانشناسی جدید*. مجموعه مقالات همایش بین المللی ابن سینا.
۴. حسومی، طاهره؛ و حمیدی نسب، علی (۱۳۹۰). *ارتباط کارآفرینی و فرهنگ*. فصلنامه کارآفن. شماره سیزدهم، ص ۴۹

۵. زمردی، حیمر (۱۳۹۳). نگاهی به محتوای چهارمقاله نظامی عروضی و آراء دیگران در باب آن. *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. سال هفتم. شماره دوم. پیاپی ۲۴. ص: ۱۱۲-۱۲۱.
۶. سجادی؛ سید محمود (۱۳۷۸). شعر امروز ضرورت تاریخی زمان. *کیهان فرهنگی*. شماره ۱۵۹. ص ۹-۱۳.
۷. طباطبایی، سید صادق (۱۳۹۴). *بازتاب مشاغل و پیشه‌ها در دیوان شمس*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان.
۸. کرمی، محمد حسین (۱۳۹۳). *بررسی و تحلیل معنایی، هنری و اجتماعی مشاغل و مناصب در شعر خاقانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
۹. کهنتری، محسن (۱۳۸۸). *چند مطلب در باره کارآفرینی*، <http://ptp5.blogfa.com/post-36.aspx>.
۱۰. مقیمی، سید محمد (۱۳۸۴). *کارآفرینی در سازمان‌های دولتی*. تهران: نشر فراندیش،
۱۱. نجم‌الدین رازی (۱۳۷۴). *مرصاد العباد*. تهران: نشر علمی و فرهنگی، چ ششم،
۱۲. نظامی عروضی سمرقندی (۱۳۷۲). *چهار مقاله*. تهران: نشر جامی،
۱۳. نظامی گنجوی (۱۳۸۵). *اقبالنامه*. تهران: نشر قطره، چ ششم،
۱۴. _____ (۱۳۷۰). *خسرو و شیرین*. تهران: نشر امیر کبیر، چ سوم،
۱۵. _____ (۱۳۸۱). *شرفنامه*. تهران: نشر قطره، چ چهارم،
۱۶. _____ (۱۳۷۳). *لیلی و مجنون*. تهران: نشر مهرداد،
۱۷. _____ (۱۳۷۲). *منحزن الاسرار*. تهران: نشر دانشگاه تهران،
۱۸. _____ (۱۳۸۰). *هفت پیکر*. تهران: نشر دانشگاه تهران، چ دوم،

